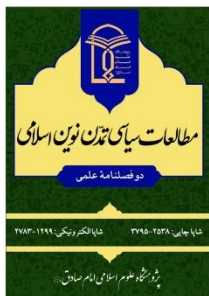




Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences
Research Institute for Political
and Defence Studies
P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299
Website: <http://sjs.isri.ac.ir>
Volume : 4 ; Number : 8



An Introduction to the Strategic Knowledge Management Model in the Context of the New "Islamic Civilization"

Esmail Shateri Ahmadabadi*

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2024.483845.1145>

Received: 2024/10/16 - Accepted: 2024/11/28

Type of Article: Research

(36-66)

Abstract

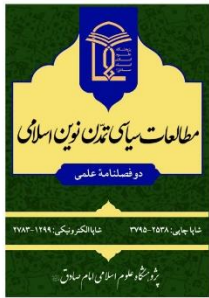
This article analyzes and presents a comprehensive model for strategic knowledge management in the context of the Islamic Revolution, emphasizing the importance of this management as a key tool for achieving a new Islamic civilization. In the present era, the Islamic Revolution faces complex and diverse challenges that require a coherent and knowledge-based approach. In this regard, Western imported knowledge, which is founded on materialistic and non-divine principles, is unable to meet the real needs of the Islamic Revolution. Therefore, the necessity of producing and managing knowledge rooted in monotheistic and Islamic principles becomes vital. This research examines data related to the statements of the Supreme Leader and the literature on knowledge management using qualitative methods. The proposed model includes three primary dimensions: knowledge production, knowledge distribution, and knowledge application. These dimensions are designed to support the overarching goals of the Islamic Revolution, including self-building, community-building, and civilization-building. Additionally, the model of strategic knowledge management encompasses three key pillars: guiding, capability-building, and operational pillars. These pillars not only assist in directing and developing the necessary capacities for knowledge production and distribution but also emphasize the effective implementation of this knowledge within the framework of the Islamic Revolution, focusing on synergy and coherence in the knowledge management process. The conclusion of the article indicates that to achieve the goals of the Islamic Revolution and develop a new Islamic civilization, strategic knowledge management must operate comprehensively and coherently with Islamic principles. This management should not only focus on producing new indigenous knowledge but also leverage past experiences, effectively applying this knowledge across various social and cultural levels. By adopting this approach, a bright and sustainable future for the Islamic community can be achieved.

Keywords: Strategic Knowledge Management, Islamic Revolution, New Islamic Civilization, Self-Development, Community Development.

* PhD in Strategic Knowledge Management, Faculty of Strategic Management, National Defense University, Tehran, Iran, shateri88@gmail.com.



پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)
پژوهشگاه مطالعات سیاسی و دفاعی
P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299
http://sjs.isri.ac.ir
سال چهارم، شماره هشتم



درآمدی بر الگوی مدیریت راهبردی دانش در تراز تمدن نوین اسلامی

اسماعیل شاطری احمدآبادی*

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2024.483845.1145>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۸

نوع مقاله: پژوهشی
(۳۶-۶۶)

چکیده

این مقاله به تحلیل و ارائه الگوی جامع برای مدیریت راهبردی دانش در تراز انقلاب اسلامی می‌پردازد و بر اهمیت این مدیریت به عنوان ابزاری کلیدی در تحقق تمدن نوین اسلامی تأکید می‌کند. امروزه، انقلاب اسلامی با چالش‌های پیچیده و متنوعی روبه‌روست که به رویکردی منسجم و مبتنی بر دانش نیازمند است. در این زمینه، دانش‌های وارداتی غربی، که بر مبانی مادی و غیرالهی بنا شده‌اند، نمی‌توانند نیازهای واقعی انقلاب اسلامی را تأمین کنند. از این رو، ضرورت تولید و مدیریت دانش‌هایی که از اصول توحیدی و اسلامی ریشه گرفته‌اند، امری حیاتی به شمار می‌آید. در این پژوهش، با استفاده از روش‌های کیفی، داده‌های مربوط به بیانات رهبر معظم انقلاب و ادبیات مدیریت دانش بررسی می‌شود. الگوی پیشنهادی شامل سه بعد اصلی است: تولید دانش، توزیع دانش و کاربست دانش. این ابعاد به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به تحقق اهداف کلان انقلاب اسلامی، از جمله خودسازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی یاری رسانند. افزون بر این، الگوی مدیریت راهبردی دانش شامل سه رکن کلیدی می‌شود: ارکان جهت‌ساز، قابلیت‌ساز و اجرایی. این ارکان نه تنها به هدایت و گسترش ظرفیت‌های لازم برای تولید و توزیع دانش کمک می‌کنند، بلکه بر اجرای مؤثر این دانش در تراز انقلاب اسلامی تأکید دارند و به هم‌افزایی و انسجام در فرایند مدیریت دانش می‌پردازند. براساس نتیجه‌گیری مقاله، برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی و توسعه تمدن نوین اسلامی، مدیریت راهبردی دانش باید به طور جامع و منسجم با مبانی اسلامی عمل کند. این مدیریت نه تنها باید به تولید دانش‌های نوین بومی بپردازد، بلکه باید از تجربه‌های گذشته نیز بهره‌برداری کند و این دانش‌ها را به طور مؤثر در سطوح گوناگون اجتماعی و فرهنگی به کار گیرد. با اتخاذ این رویکرد، می‌توان به آینده‌ای روشن و پایدار برای جامعه اسلامی دست یافت.

واژگان کلیدی: مدیریت راهبردی دانش، انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی، خودسازی، جامعه‌سازی

* دانش‌آموخته دکتری مدیریت راهبردی دانش، دانشکده مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران، shateri88@gmail.com

مقدمه

تحقق تمدن نوین اسلامی به عنوان یکی از هرف‌های محوری انقلاب اسلامی، به تحولی بنیادین در حوزه‌های علمی و دانشی نیازمند است. انقلاب اسلامی به منزله نهضت فکری و اجتماعی، نمی‌تواند برای دستیابی به آرمان‌های خود به دانش‌های وارداتی و مبتنی بر جهان‌بینی غربی متکی باشد. این دانش‌ها که براساس مبانی مادی و غیرالهی شکل گرفته‌اند، نه تنها قادر به پاسخگویی به نیازهای واقعی انقلاب اسلامی نیستند، بلکه می‌توانند مانع از تحقق اهداف بلندمدت آن شوند. از این رو، تحول در نظام دانشی، با محوریت مبانی اسلامی و توحیدی، ضرورتی است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد.

در این زمینه، مدیریت راهبردی دانش به عنوان ابزار کلیدی در فرایند تمدن‌سازی نوین اسلامی اهمیت پیدا می‌کند. این مدیریت به معنای هدایت و سازماندهی دانش به گونه‌ای است که بتواند نیازهای فوری انقلاب را از میان بردارد و همچنین، به تقویت فرایندهای خودسازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی کمک کند. برای دستیابی به این اهداف، دانش باید به طور فعال تولید، توزیع و به کار گرفته شود. باین حال، این دانش را نمی‌توان از منابع خارجی و نامرتبط با مبانی اسلامی، گرفت؛ بلکه باید براساس ارزش‌های اسلامی طراحی شود.

آموزه‌های دین مبین اسلام بر این نکته تأکید دارد که دانش را نباید چون پدیده‌ای بی‌طرف و جدا از ارزش‌های الهی در نظر گرفت، بلکه دانش باید جهت‌دار و متناسب با اهداف والای الهی باشد. از این رو، مدیریت راهبردی دانش در تراز انقلاب اسلامی باید بتواند به تولید دانش‌هایی بپردازد که با این مبانی همخوانی داشته باشد و به ساخت تمدن نوین اسلامی کمک کند.

از سوی دیگر، با توجه به پیچیدگی‌ها و چالش‌های پیش‌روی انقلاب اسلامی، مدیریت راهبردی دانش باید به گونه‌ای عمل کند که بتواند پاسخگویی نیازهای دانشی جامعه اسلامی باشد و همچنین، فرایندهای خودسازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی را تقویت کند. با وجود این، وضعیت موجود نشان‌دهنده وابستگی به دانش‌های وارداتی و غیراسلامی

است که به دلیل تطابق نداشتن با مبانی دینی و ناهماهنگی با اهداف تمدن‌ساز انقلاب اسلامی، نمی‌توان آن را پایه‌ای برای توسعه و پیشرفت جامعه اسلامی به‌شمار آورد. این دانش‌ها به سبب هماهنگ نبودن با نیازهای واقعی جامعه، در بسیاری از موارد، مانع پیشرفت و تحول در ابعاد گوناگون اجتماعی و فرهنگی می‌شوند.

بنابراین، مدیریت راهبردی دانش باید به‌گونه‌ای طراحی شود که براساس اصول و آموزه‌های اسلام ناب محمدی ﷺ، توانایی تولید و مدیریت دانش‌هایی که با نیازهای واقعی انقلاب اسلامی همخوانی دارد، را داشته باشد. این مدیریت باید بتواند جریان دانش را در تراز تمدنی و در سه بُعد کلیدی تولید، توزیع و کاربست دانش راهبری کند و با تمرکز بر این ابعاد، به شناسایی و مشکلات و چالش‌های انقلاب اسلامی در پیشبرد اهداف ترسیم‌شده، را برطرف سازد.

در این مقاله، در پی ارائه الگویی برای مدیریت راهبردی دانش تمدن‌ساز هستیم که بتواند به‌طور مؤثر به تولید، توزیع و کاربست دانش‌های بومی و متناسب با نیازهای واقعی جامعه اسلامی کمک کند. این الگو نه تنها باید پاسخگوی نیازهای کنونی انقلاب اسلامی باشد، بلکه باید زمینه‌ساز تحقق اهداف تمدن‌سازی اسلامی باشد.

۱. پیشینه پژوهش

با بررسی ادبیات و پیشینه تحقیق روشن می‌شود کوشش‌های ارزشمندی در زمینه ارائه الگوی مدیریت راهبردی دانش صورت گرفته است که در این مجال به برخی از آنها اشاره شده است:

چهاردولی و همکاران (۱۳۹۷) در زمینه دستیابی به الگوی مدیریت راهبردی دانش با تکیه بر اسلام ناب محمدی ﷺ، به محورهای مانند چالش‌ها و آسیب‌های نظری و کارکردی موجود در حوزه مدیریت راهبردی دانش، مبانی، روش، غایات و الزامات، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریت راهبردی دانش مبتنی بر اساس اسلام ناب محمدی ﷺ، ... و سرانجام وجوه اشتراک و افتراق (تساوی، تباین، عموم و خصوص مطلق، عموم و خصوص من وجه) مدیریت راهبردی دانش مبتنی بر اساس اسلام ناب محمدی ﷺ با مدیریت راهبردی

دانش در جوامع دیگر، پرداخته‌اند. آنها دانش را در دوره کنونی به عنوان سرمایه‌ای تمام‌ناشدنی، ضامن اقتدار، توسعه و پیشرفت کشورها و جوامع برمی‌شمرده‌اند؛ همچنین، دانش و مدیریت دانش، و پیرو آن مدیریت راهبردی دانش در مقیاس و موضوعات راهبردی کشور را بسیار پراهمیت دانسته‌اند. ولی پژوهشگران در این پژوهش، مدیریت دانش و مدیریت راهبردی دانش، که در دانشگاه‌های کشور ارائه می‌شود، مبتنی بر جهان‌بینی غرب ارزیابی شده و آن را پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی جمهوری اسلامی ایران نمی‌دانند.

در این پژوهش برای مدیریت راهبردی دانش دو بُعد عینی و ذهنی شناسایی شده است. در بُعد ذهنی کوشش بر این است که مبادی، مبانی، موضوعات، مسائل و غایات دانش، مدیریت دانش و مدیریت راهبردی دانش شناسایی شود. در بُعد عینی با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخت، مؤلفه‌های ساختاری، روشی، فرایندی و محتوایی به همراه شاخص‌های آنها شناسایی شده است. همچنین، مدیریت راهبردی دانش با تکیه بر حکمت و فلسفه متعالیه الهی و با رویکرد سیستمی مدیریت راهبردی متوسمانه، برای رسیدن انسان به کمال و دستیابی به مقام عبداللهی و قرب الهی در جامعه و حتی هر سازمانی تعریف و الگوسازی شده است.

وحیدی (۱۳۹۵) الگویی در زمینه مدیریت راهبردی دانش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ارائه می‌کند که در آن به محورهایی مانند مؤلفه‌های زیرساختی مدیریت دانش شامل توسعه سرمایه انسانی، مبانی فلسفی، ساختار شبکه، رهبری راهبردی، نظام‌های پشتیبان و فناوری اطلاعات؛ فرایندهای راهبردی مدیریت دانش شامل تولید دانش، سازماندهی و نگهداری دانش، به اشتراک‌گذاری دانش، انتقال دانش، استفاده از دانش؛ حوزه‌های راهبردی دانش شامل آرایه سامانه سلاح، سامانه سلاح، سلاح، آرایه‌های دفاعی؛ تولید ارزش برای دینفعان شامل توسعه فناوری دفاعی، یادگیری سازمانی، خرد دفاعی، ایجاد نوآوری دفاعی، بهره‌وری؛ تولید قدرت بازدارندگی و شایستگی دفاعی شامل قابلیت‌سازی، خوداتکایی، بازدارندگی فعال، ساختار چابک، پویا و فعال، دفاع هوشمند اشاره می‌کند.

کازمی (۱۳۹۵) به منظور طراحی الگوی نظری اداره امور عمومی نخست، مطالعات تطبیقی عمیقی در نظریه‌ها، الگوها و رویکردهای گوناگون به اداره امور اعم از سیاست‌گذاری عمومی، مدیریت راهبردی، مدیریت دولتی و امور شناختی پرداخته است. وی ابعاد و مؤلفه‌های اداره امور عمومی را احصا کرده و شاخص‌های معرفی شده به وسیله گروه کانونی با استفاده از تکنیک دلفی اعتبارسنجی کرده است، سپس به کمک پرسشنامه و طی چند مرحله این الگو را در دو بعد نظری و عملیاتی ارائه کرده است. الگو در بعد نظری دارای سه مؤلفه اساسی و ۲۲ شاخص راهبردی است. در بعد عملیاتی الگو دارای سه مؤلفه و چهارده شاخص راهبردی است. در سطح دوم، پژوهشگر به منظور طراحی الگوی نظری تجربه راهبردی و مدیریت راهبردی دانش در تدوین تجربه‌های نظام نخست مطالعاتی در رویکردها و نظریه‌های مرتبط داشته است. سرانجام الگوی مقوله‌های دانش را در چهارچوب الگوهای موضوعی مدیریت دانش انتخاب و چهارچوب اولیه الگو را طراحی کرده است. سپس با ترکیب الگوی اداره امور عمومی و الگوی راهبری مدیریت دانش، الگوی اولیه تجربه‌های راهبردی و مدیریت دانش در تدوین تجربه‌های اداره امور کشور را طراحی کرده است. در این مرحله نیز با استفاده از مصاحبه گروهی در گروه‌های کانونی الگوی طراحی شده بررسی، و الگوی نهایی ارائه شده است. الگوی تجربه راهبردی نیز دارای دو بعد نظری و عملیاتی است. این الگو دارای شش مؤلفه و ۳۴ شاخص راهبردی است. این الگو در بعد عملیاتی شامل پنج مؤلفه و ۲۱ شاخص است. الگوی راهبردی مدیریت دانش ارائه شده، که دارای دو بعد نظری و عملیاتی است، در بعد نظری شامل هفت مؤلفه اصلی و ۳۸ شاخص راهبردی است. و بعد عملیاتی دارای پنج مؤلفه و ۲۸ شاخص راهبردی است. به طور کلی، بررسی پیشینه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مدیریت راهبردی دانش با تکیه بر مبانی اسلامی و نیازهای ویژه جامعه، رویکردی ضروری برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی و تمدن‌سازی نوین اسلامی است. با وجود تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه، هنوز جای خالی الگویی جامع و بومی در مدیریت دانش احساس می‌شود. بنابراین، این پژوهش با هدف پر کردن این خلأ و ارائه الگویی کاربردی که بتواند به تولید، توزیع و

کاربست دانش‌های مرتبط با انقلاب اسلامی کمک کند، طراحی شده است. این الگو باید به‌عنوان چهارچوب راهنما برای تحقق اهداف کلان انقلاب اسلامی عمل کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. الگوی راهبردی^۱

الگوی راهبردی عبارت است از طرح ترسیمی منطقی و هنرمندانه، که از واقعیت گرفته شده و رابطه‌های بین متغیرها (ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها) را نشان می‌دهد. از این الگو می‌توان برای پیش‌بینی و تصمیم‌گیری‌های راهبردی و کلان بهره‌گرفت (الگوی راهبردی پیشرفت اسلامی - ایرانی، ۱۳۸۹: ۳۱، ۳۶).

۲-۲. دانش^۲

براساس مطالعه‌های گذشته، کسانی که در تعریف دانش می‌کوشند، را می‌توان در چهار دسته تقسیم‌بندی کرد:

دانش را می‌توان مخلوط سیالی از علم، تجربه‌ها، ارزش‌ها، اطلاعات موجود و نگرش‌های کارشناسی نظام‌یافته دانست که چهارچوبی برای ارزشیابی و بهره‌گیری از تجربه‌ها، تجزیه و تحلیل رویدادها، اطلاعات جدید و نحوه‌ی روبه‌رو شدن با وقایع را به‌دست می‌دهد (داونپورت و پروساک، ۱۳۷۹).

در مجموع، دانش به مجموعه‌ای از نظریه‌ها، الگوها، راهبردها و روش‌هایی گفته می‌شود که به‌کارگیری آن به شناسایی، توصیف و تبیین نظام نیازمندی‌ها، مسائل و موضوعات انقلاب اسلامی منجر می‌شود و نحوه‌ی رویارویی با آنها را تجویز می‌کند.

۲-۳. دانش راهبردی

در نوع‌شناسی دانش رویکردهای مختلفی در ادبیات مدیریت راهبردی دانش مطرح شده است ولی در این مجال با توجه به تمرکز تحقیق بر سطوح راهبردی از انواع دانش، بر دانش

1. Strategic pattern.

2. Knowledge.

راهبردی تأکید شده و به دانشی که مدیران راهبردی برای اداره و تصمیم‌گیری‌های کلان و انجام وظایف خود در سطح راهبردی به آن نیاز دارند، گفته می‌شود؛ می‌توان آن را در سه گروه تقسیم‌بندی کرد:

۱. دانش پایه کمترین میزان و سطح دانش موردنیاز برای باقی ماندن در عرصه کسب‌وکار است. این میزان از قابلیت دانشی باقی ماندن در عرصه رقابت را در بلندمدت تضمین نمی‌کند؛

۲. دانش پیشرفته دانشی است که سازمان‌ها می‌توانند به پشتوانه آن رقابتی باقی بمانند؛

۳. دانش خلاقانه دانشی است که سازمان‌ها را توانمند می‌سازد تا رهبری صنعت را به دست گیرند و بتوانند بر قواعد بازی کسب‌وکار تأثیرگذار باشند و گاهی این قواعد را تغییر دهند.

نکته قابل توجه این است که دانش ایستا نیست؛ بلکه آنچه که امروزه دانش خلاقانه به‌شمار می‌رود در آینده‌ای نه‌چندان دور، دانش پیشرفته خواهد بود و دانش پیشرفته دانش پایه خواهد بود (زاک به نقل از کشتکار و نریمانی، ۱۳۹۲).

۲-۴. مدیریت راهبردی دانش

در تحقیق چهاردولی و همکاران (۱۳۹۹) مدیریت راهبردی دانش دو منظر فرایندی و ماهیتی تعریف می‌شود:

از دیدگاه فرایندی، مدیریت راهبردی دانش با تکیه بر مکتب اسلام ناب محمدی ﷺ، به مجموعه تصمیم‌ها و فعالیت‌هایی می‌گویند که در زمینه تدوین، اجرا، کنترل و ارزیابی راهبردی برای دستیابی به اهداف انقلاب اسلامی در حوزه دانش و پژوهش در سطوح ملی و سازمانی صورت می‌گیرند.

از دیدگاه ماهیتی نیز مدیریت راهبردی دانش همان علم و هنر شناسایی منابع و سرمایه‌های دانشی موردنیاز در وضعیت مطلوب و مهارت تجزیه و تحلیل منابع موجود به منظور تأمین شرایط و زیرساخت‌های ضروری برای حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب است.

۲-۵. مدیریت راهبردی دانش تمدن ساز

بنابراین، مدیریت راهبردی دانش تمدن ساز را می توان به این شرح تعریف کرد:

مدیریت راهبردی دانش تمدن ساز، از دیدگاه مکتب اسلام ناب محمدی ﷺ، مجموعه ای از تصمیم ها و اقدامات نظام مند برای تدوین، اجرا، کنترل و ارزیابی راهبردهایی است که به تولید، انتقال، و به کارگیری دانش های مبتنی بر ارزش های اسلامی در زمینه تحقق اهداف انقلاب اسلامی و حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی کمک می کند. این مدیریت هم علم و هم هنر است؛ به این معنا که به شناسایی و به کارگیری بهینه منابع و سرمایه های دانشی نیاز دارد و مهارت تجزیه و تحلیل شرایط و منابع موجود را برای ایجاد زیرساخت های لازم برای گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب و دستیابی به آرمان های تمدنی اسلامی به کار می گیرد.

۲-۶. الگوی مدیریت راهبردی دانش تمدن ساز

الگوی مدیریت راهبردی دانش تمدن ساز مجموعه ای از اصول، روش ها و فرایندهای سازمان یافته است که در زمینه تولید، توزیع و به کارگیری دانش به کار می رود. این الگو با هدف هدایت و سازماندهی نظام دانشی به سوی تحقق اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی و دستیابی به تمدن نوین اسلامی طراحی شده است.

در این الگو، سه بُعد اصلی تولید، توزیع، و کاربرد دانش نقش محوری دارند:

- تولید دانش: بر مبنای ایجاد دانش های بومی و متناسب با مبانی اسلامی، با تأکید بر خودکفایی دانشی و استقلال از منابع خارجی؛
 - توزیع دانش: به معنای تبادل، انتشار و انتقال دانش تولیدشده به نهادهای علمی، فرهنگی، و اجتماعی برای نهادینه سازی ارزش های اسلامی و همگانی کردن دانش؛
 - کاربرد دانش: استفاده عملی و راهبردی از دانش اسلامی برای حل مسائل و چالش های پیش روی جامعه اسلامی و مدیریت اجرای آن در حوزه های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی.
- این الگو بر سه رکن کلیدی متکی است:

این مراحل در بیانیه گام دوم انقلاب در سه گام به نام خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی مطرح شده است.

۲-۸. تمدن نوین اسلامی

رهبر معظم انقلاب اسلامی تمدن را این‌گونه معرفی کرده‌اند: «تمدن زندگی توأم با نظم علمی و تجربیات خوب زندگی و استفاده از پیشرفت‌هاست و تمدن اسلامی تمدنی براساس فکر و نگاه جدید به مسائل بشر و انسانیت و برای علاج دردهای آنها بوده و زبان نویی است که دل‌های نسل‌های نوری انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون آن زبان را می‌فهمند» (همان، ۱۳۷۹/۷/۱۴).

۳. روش‌شناسی پژوهش

نوع پژوهش پیش‌رو براساس هدف، توسعه‌ای - کاربردی، براساس ماهیت داده‌ها، کیفی و براساس روش‌های گردآوری داده‌ها و اطلاعات، اسنادی است. روش انجام پژوهش، تحلیلی - توصیفی و مبتنی بر روش تحقیق تکاملی است.

روش تحقیق تکاملی بر مبنای فلسفه اصالت ولایت ایجاد شده و از نوع روش تحقیق‌های آمیخته است. برای گردآوری داده‌های کیفی، تحلیل و ترکیب یافته‌های به‌دست‌آمده از آن استفاده شده است. این روش بر این نگرش فلسفی به تحلیل حرکت، استوار است که هر پدیده متغیری به‌ناچار از سه بعد تشکیل یافته است. این سه بعد عبارت‌اند از: زمان، مکان و نسبت بین زمان و مکان. زمان ناظر به تغییرات و جهت موضوع است مکان ناظر به ساختار موضوع است و نسبت بین زمان و مکان را می‌توان در قالب آثار یا کارآمدی موضوع شناسایی کرد (پیروزمند، ۱۳۸۷: ۶۶-۶۸ و ۹۳-۹۸).

طبق این دستگاه، هر موضوع دست‌کم سه بعد دارد، این سه بعد به‌وسیله جدول ماتریس در هم ضرب و بدین‌وسیله اوصاف آن به هم متقوم می‌شود. در نخستین مرحله از ضرب سه بعد در همدیگر نه قید دویخشی حاصل می‌شود. براساس این روش تحقیق به‌طورکلی، الگو شامل سه بخش است:

بخش نخست شامل متغیرهای مؤثر بر موضوع موردبررسی، تعیین نسبت آنها به هم و

سهم تأثیر آنها در موضوع است (الگوی وصفی؛ مؤلفه‌ها). نظام اوصاف بیانگر ویژگی‌هایی است که از شی انتظار داریم. بنابر ادبیات روش تحقیق موجود این مرحله فرضیه‌سازی است.

در بخش دوم مبتنی بر الگوی وصفی، نظام موضوعات شناسایی و اولویت‌بندی می‌شوند (الگوی موضوعی)؛ موضوع، نمود واقعی و تجسم خارجی دارد. در پایان شاخصه‌های نظام موضوعات برای شناسایی در عینیت معین می‌شوند (نظام شاخصه) (پیروزمند و علیخانی، ۱۳۹۶).

جدول ۱: اجزای روش تحقیق تکاملی

تعیین متغیرهای مؤثر بر موضوع مورد بررسی، تعیین نسبت آنها به هم و سهم تأثیر آنها در موضوع	الگوی وصفی (مؤلفه‌ها)
مبتنی بر الگوی وصفی، تعیین نظام موضوعات و اولویت‌بندی آنها	الگوی موضوعی
تعیین شاخصه‌های نظام موضوعات برای شناسایی در عینیت	نظام شاخصه

(منبع: همان)

۳-۱. فرایند ایجاد الگوی وصفی (مؤلفه‌ها)

هدف از ایجاد علم، تصرف در عینیت است؛ به عبارتی دیگر، علم معادله تغییر و تصرف در عینیت است.

برای ایجاد تغییر در هر موضوعی، به تعریف آن نیاز داریم؛ به عبارت دیگر، در صورتی که موضوعی را توصیف کنیم می‌توان برای آن معادله تغییر یا تصرف داد.

در تعریف، اوصاف و ویژگی‌های موضوع شناخته می‌شود. این اوصاف و ویژگی‌ها در قالب مفاهیم و اصطلاحات بیان می‌شود؛ بنابراین بن مایه اولیه علوم، مفاهیم یا اصطلاحات هستند. بنابراین، اجزای الگوی وصفی عبارت است از: «مفاهیم (اصطلاحات)، تعریف و معادله».

در مفاهیم، مؤلفه‌های سه بعد موضوع شناسایی، و با ضرب در قالب جدول ماتریس، مؤلفه‌ها به یکدیگر مرتبط شده و نسبت بین ابعاد مشخص می‌شود. در این حالت گفته می‌شود که ابعاد به یکدیگر متقوم شده‌اند (پیروزمند و جهان‌بخش، ۱۳۹۷).

مثال: «A,B,C» را ابعاد موضوعی فرضی و «a1,a2,a3» را مؤلفه‌های بعد A، «b1,b2,b3» را مؤلفه‌های بعد B، «c1,c2,c3» را مؤلفه‌های بعد C در نظر می‌گیریم. در قالب جدول ماتریس به این صورت ابعاد به هم متقوم می‌شوند.

جدول ۲

a3			a2			a1			A
b3	b2	b1	b3	b2	b1	b3	b2	b1	B
									C
a3 b3 c1	a3 b2 c1	a3 b1 c1	a2 b3 c1	a2 b2 c1	a2 b1 c1	a1 b3 c1	a1 b2 c1	a1 b1 c1	c1
a3 b3 c2	a3 b2 c2	a3 b1 c2	a2 b3 c2	a2 b2 c2	a2 b1 c2	a1 b3 c2	a1 b2 c2	a1 b1 c2	c2
a3 b3 c3	a3 b2 c3	a3 b1 c3	a2 b3 c3	a2 b2 c3	a2 b1 c3	a1 b3 c3	a1 b2 c3	a1 b1 c3	c3

(منبع: یافته‌های پژوهش)

باتوجه به کیفی بودن پژوهش پیش‌رو، اعتبارسنجی نتایج تحقیق و اشباع نظری از طریق ارائه نتایج و یافته‌ها به ۳۲ نفر از متخصصان، اندیشمندان و استادان مربوطه به صورت فردی و یا ارائه در نشست‌های هم‌اندیشی و اندیشه‌ورزی متعدد، انجام گرفته است.

۴. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

گروه پژوهش به طور پیوسته، مقاله‌ها و اسناد برگزیده و نهایی شده را به منظور دستیابی به یافته‌های متناسب پرسش‌های پژوهش، چندین بار مرور کردند. با پردازش محتوای آنها کدهای مرتبط با واژه‌های کلیدی استخراج شد. براساس واژه‌های به دست آمده، مفاهیم و مقوله‌ها (مفاهیم مرکب) شکل گرفت و با استفاده از روش تحقیق تکاملی در سه بعد ارکان (بر موضوع؛ توسعه: زمان‌ساز)، محتوا (در موضوع؛ ساختار: مکان‌ساز) و اثر (نسبت زمان و مکان)؛ مفاهیم مرکب دسته‌بندی، و سپس ماتریس سه‌بعدی در ۲۷ مؤلفه ارائه شد. برای نمونه، در ادامه برخی از کدهای استخراج شده به همراه منبع به تفکیک ابعاد یادشده در جدول‌هایی ارائه شده است:

الف) بعد اثر (انقلاب اسلامی)

مؤلفه‌های این بعد کارکردساز هستند؛ یعنی حوزه تأثیر این موضوع را بر موضوعات دیگر

مشخص می‌کند. برای شناسایی تحول در هر موضوع باید اثر آن را بر موضوعات دیگر معین کرد.

مؤلفه‌های این بعد عبارت‌اند از: «تمدن‌سازی، جامعه‌سازی و خودسازی»؛ یعنی این اوصاف حوزه تأثیر موضوع «مدیریت راهبردی دانش» را بر موضوعات دیگر مشخص می‌کند. تحول در این سه مؤلفه نشان‌دهنده تحول در موضوع «مدیریت راهبردی دانش» است. این سه مؤلفه از سند بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی برگرفته شده است. برای دستیابی به مؤلفه‌های بعد آثار، گروه پژوهش، این راهبرد را پی گرفت:

۱. تعریف تمدن نوین اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی
در این راهبرد پس از بررسی تعریف‌های بسیار از تمدن نوین اسلامی، این تعریف به‌عنوان مبنا قرار گرفت:

«تمدن نوین اسلامی ماهیتی سیال و از جنس حرکت خواهد داشت و نه از جنس موقعیت و مقصد؛ چراکه این ضرورت هر تمدن پویا و روان به‌سوی «هدف‌نهایی، تعالی و تکامل و قرب الهی است» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۴)؛

۲. تبیین ویژگی‌های حرکتی تمدن‌سازی نوین اسلامی و ضرورت پرداختن به علم
به‌عنوان پایه تمدن‌سازی

اکنون که تمدن ماهیتی دارد از جنس حرکت، پس با بررسی ویژگی‌های حرکتی تمدن‌سازی نوین اسلامی، باید نقش‌مبنایی و پایه‌ای علم^۱ را برجسته ساخت و دیگر ویژگی‌ها را در پرتو توجه به آن برشمرد؛

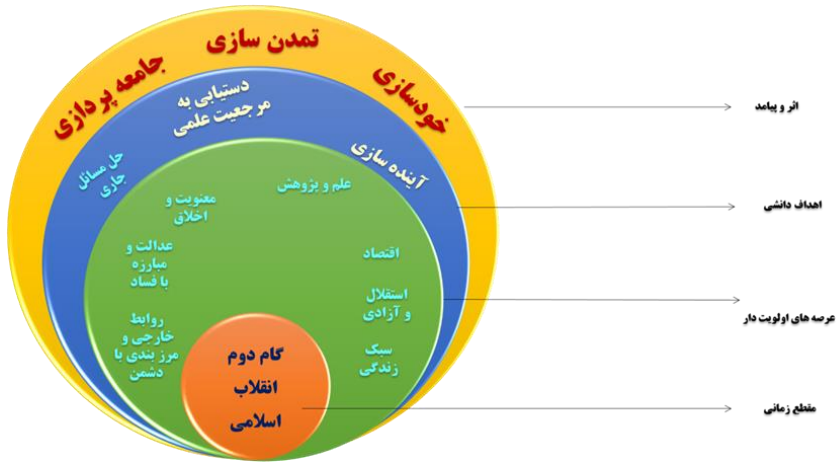
۱. «حقیقتاً همه دانش‌ها همه تحركات برتر در یک جامعه، مثل یک کالبد است که روح آن علوم انسانی است. علوم انسانی جهت می‌دهد، مشخص می‌کند که ما کدام طرف داریم می‌رویم. دانش ما دنبال چیست؟ وقتی علوم انسانی منحرف شد و بر پایه‌های غلط و جهان‌بینی‌های غلط استوار شد، نتیجه این می‌شود که همه تحركات جامعه به‌سمت یک گرایش انحرافی پیش می‌رود» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۱۳).



شکل ۰۱: ویژگی های حرکتی جریان تمدن ساز
(منبع: یافته های پژوهش)

۳. تمرکز بر توصیه ها و راهبردهای هفتگانه رهبر معظم انقلاب در تحقق اهداف انقلاب اسلامی در گام دوم و تبیین ضرورت پیوند میان راهبردهای مدیریت دانش و راهبردی اساسی انقلاب اسلامی در گام دوم با محوریت قرار دادن دومین مرحله از «فردسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی»؛

۴. مدیریت راهبردی دانش باید بتواند دانش هایی را تولید، توزیع و به کارگیری کند که کاربست آن، مطلوبیت های عرصه های خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی را محقق کند؛ همچنین اهداف دانشی ترسیم شده در این سه عرصه را با تمرکز بخشی به اولویت های راهبردی مطرح شده در سند بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی برآورده سازد. از این رو، اهداف دانشی که خلاصه ای از آن در شکل آمده است، باید در الگوی مختار مورد توجه قرار گیرد. این امر به عینی تر شدن الگو در قالب نظام موضوعات بسیار مؤثر خواهد بود؛



شکل ۲: عرصه‌های اولویت‌دار انقلاب اسلامی در گام دوم (منبع: یافته‌های پژوهش)

۵. با توجه به آنچه گفته شد، به منظور شفاف‌سازی بُعد اثر، نخست براساس کدهای استخراج‌شده مفاهیم استنباط شد. سپس با هدف ایجاد تفسیر یک‌پارچه و جدید از یافته‌ها، به‌گونه‌ای طبقه‌بندی ارائه شد تا بهترین توصیف برای مفاهیم در قالب مقوله به‌دست آید. مفاهیمی همچون ضرورت پیشرفت دائمی در تقویت استحکام درونی و ارتقای عزت ملی، حفظ حالت پیش‌روندگی و پیش‌برندگی انقلاب در گام دوم، امیدبخشی به جوانان و تمرکز بر عرصه‌های هفتگانه^۱ در مقیاس تمدنی، جامعه و فردی است که می‌توان در سه مقوله دسته‌بندی کرد:

جدول ۳: مفاهیم، سازه‌ها و مقولات بعد اثر

مضمون	مقوله‌ها	مفاهیم
اثر (انقلاب اسلامی)	تمدن‌سازی	اسلام، پایه‌گذار تمدن عظیم تاریخی؛ ضرورت اتکا به خداوند؛ گرفتاری جامعه به جهل فراگیر و...؛ تمدن‌سازی بر پایه حرکت علمی جهش‌وار و معجزه‌آسا؛ ماندگاری حرکت علمی؛ اعتقاد عمیق به کفایت اسلام برای نجات بشریت؛ توجه به یاد خداوند و معنویت؛ معرفت شفاف و بی‌ابهام نسبت به دین؛ عدالت

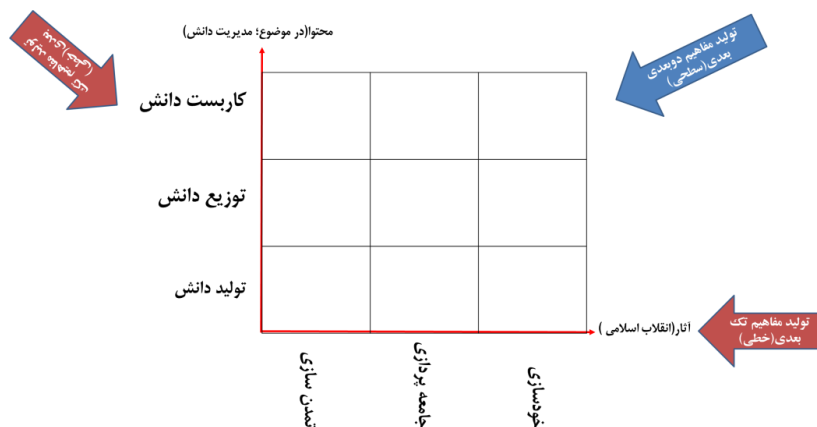
۱. سند بیانیه گام دوم (۱۳۹۷): (۱) علم و پژوهش؛ (۲) معنویت و اخلاق؛ (۳) اقتصاد؛ (۴) عدالت و مبارزه با فساد؛ (۵) استقلال و آزادی؛ (۶) عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن؛ (۷) سبک زندگی.

<p>مطلق و بی‌اغماض و...؛ بازتولید تمدن نوین اسلامی؛ تبدیل ایران به پایگاه مستحکمی برای اندیشه حاکمیت و تمدن اسلامی؛ ساختن تمدن کاری بلندمدت و تدریجی؛ نظام اسلامی به‌عنوان زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی؛ تکمیل فرایند دولت‌سازی اسلامی؛ ساختن کشوری الگو و...</p>		
<p>توجه به ارزش‌های پیشرفت‌دهنده کشور؛ توجه ویژه به سبک زندگی؛ دستیابی به جامعه الهی؛ جامعه‌ای با احساسات و عواطف درست و سالم؛ جامعه مصون از غفلت؛ مادیت؛ ظلم؛ فردپرستی؛ کار برای رسیدن به آستان لقای ربوبیت؛ توجه ویژه به معنویت به‌عنوان شرط لازم برای دستیابی به جامعه الهی؛ جامعه برخوردار از قدرت مادی و معنوی براساس احکام الهی و...</p>	<p>جامعه‌پردازی</p>	
<p>فردسازی براساس تربیت دینی؛ بزرگ شمردن اجرای احکام الهی در محدوده فردی؛ توجه انسان به خود با نگاه انتقادی؛ توجه به عیوب فردی و تلاش برای رفع آن؛ آماده‌سازی خود برای پنجه درافکندن با زورگویان و...</p>	<p>خودسازی</p>	

(منبع: یافته‌های پژوهش)

ب) بعد محتوا (مدیریت دانش)

برای شفاف‌سازی مفهوم مدیریت دانش به مبانی نظری موضوع (آموزه‌های دینی، ادبیات رایج و اسناد بالادستی) مراجعه شد. در گام نخست براساس کدهای استخراج شده، مفاهیم استنباط شد و در گام دوم با هدف ایجاد و تفسیری یک‌پارچه و تازه از یافته‌ها، طبقه‌بندی مناسبی ارائه شد تا بهترین توصیف برای مفاهیم در قالب مقوله به‌دست آید و در گام سوم براساس آنچه در بند الف به آن اشاره رفت، مفهوم مدیریت دانش واکاوی و نتیجه آن در قالب ماتریس دوبعدی به این شرح ارائه شد:



شکل ۳: بسط مفهوم مدیریت دانش در تراز انقلاب اسلامی پاسداری در دو بعد (باروش ماتریسی)
(منبع: یافته‌های پژوهش)

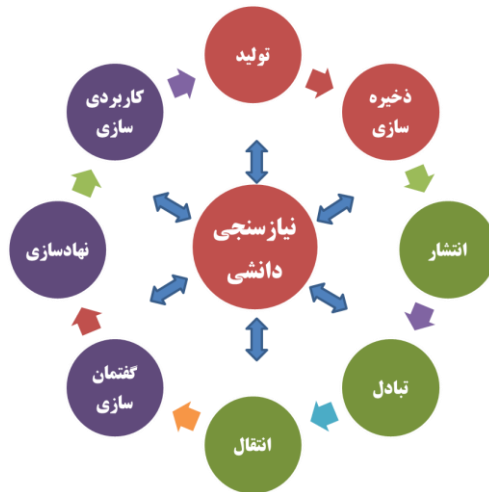
نتیجه ضرب این دو بعد، این جدول ماتریسی است که تولید ۹ مفهوم مرکب را نمایش می‌دهد:

جدول ۴: بسط مفهومی (ماتریس دوعدی / سطحی) مدیریت دانش در تراز انقلاب اسلامی

کاربست دانش	توزیع دانش	تولید دانش	محتوا آثار
کاربست دانش تمدن ساز	توزیع دانش تمدن ساز	تولید دانش تمدن ساز	تمدن سازی
کاربست دانش جامعه ساز	توزیع دانش جامعه ساز	تولید دانش جامعه ساز	جامعه سازی
کاربست دانش انسان ساز	توزیع دانش انسان ساز	تولید دانش انسان ساز	خودسازی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

درضمن، امکان بسط مفاهیم تا دستیابی به نظام موضوعات مدیریت دانش در تراز انقلاب اسلامی وجود داشته و فرایند مدیریت دانش با محوریت نیازسنجی قابل معرف‌سازی است و در قالب این چرخه تعریف می‌شود:



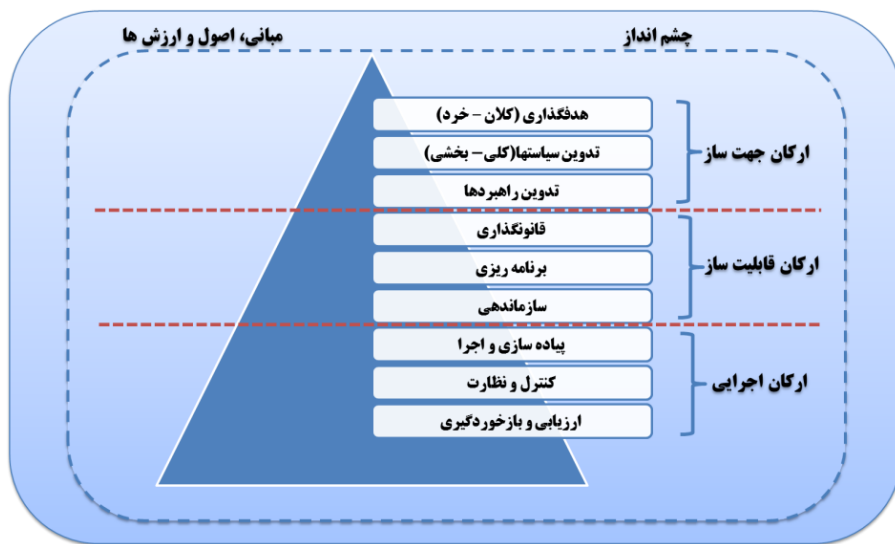
شکل ۴: بسط موضوعى بعد فرایند مديريت دانش
(منبع: یافته‌های پژوهش)

ج) مؤلفه‌های بعد ارکان

بنابر آنچه در روش‌شناسی پژوهش، بدان اشاره شد، مؤلفه‌های بعد ارکان زمان‌سازند؛ یعنی ناظر به تکامل موضوع هستند. بنابراین، مؤلفه‌های بعد ارکان مجموعه عواملی هستند که بیشترین نقش را در تکامل موضوع دارند. به عبارت دیگر مؤلفه‌های بعد ارکان بیرون از موضوع هستند ولی بر تحول و تکامل آن مؤثرند.

مؤلفه‌های بعد ارکان «مدیریت راهبردی دانش در تراز انقلاب اسلامی» عبارت‌اند از: «ارکان جهت‌ساز، ارکان قابلیت‌ساز و ارکان اجرایی‌سازی (عمل‌آفرین)»؛ یعنی این مؤلفه‌ها بیرون از موضوع «مدیریت راهبردی دانش» هستند، ولی بیشترین نقش را در تکامل آن دارند. به عبارت دیگر، برای تغییر وضعیت مدیریت راهبردی دانش و تکامل آن، باید سه مؤلفه «جهت‌سازها، قابلیت‌سازها و اجرایی» تحول پیدا کند و متکامل شود.

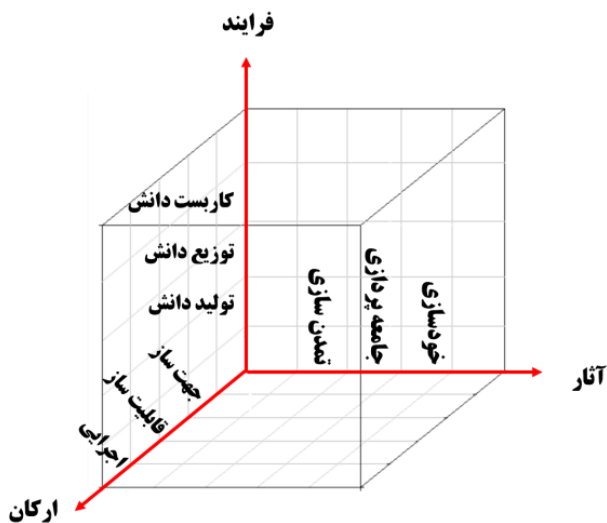
به‌منظور شفاف‌سازی ساختن مؤلفه‌های بعد ارکان، گروه پژوهش بر آن شد تا ضمن پردازش ادبیات نظری حوزه مدیریت راهبردی، این مدل اندیشه راهبردی را به‌عنوان اوصاف هر یک از ارکان و میناها ارائه کند:



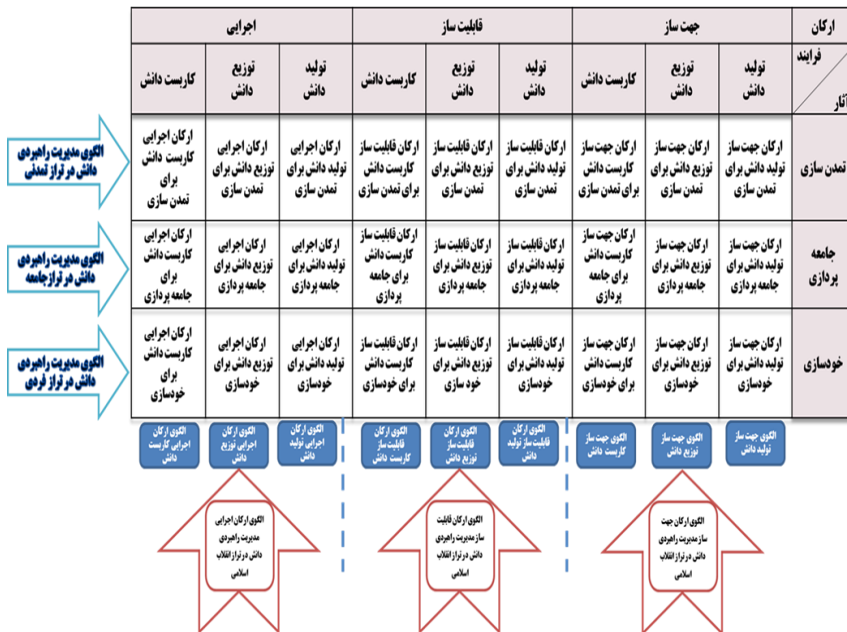
شکل ۵: نمای ارکان الگوی مدیریت راهبردی دانش با ذکر اوصاف (منبع: یافته‌های پژوهش)

د) جمع‌بندی و تنظیم الگو از طریق ارتباط متغیرها

در مجموع، نمودار سه‌وجهی و همچنین جدول ماتریسی نمایش داده شده است:



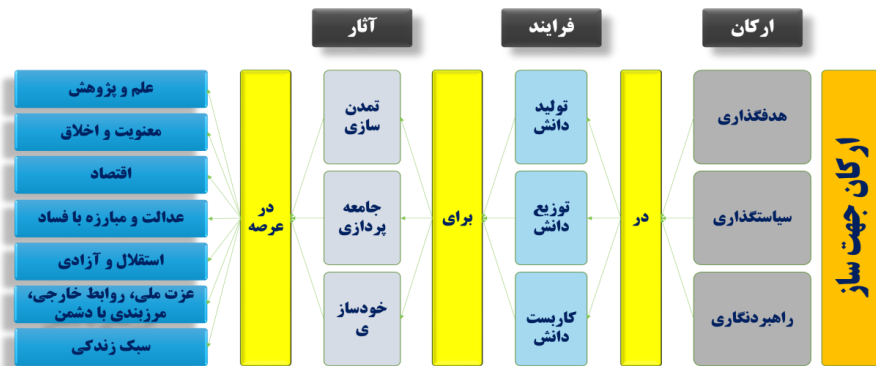
شکل ۶: نمودار سه‌وجهی الگوی مدیریت راهبردی دانش (منبع: یافته‌های پژوهش)



شکل ۷: جدول ماتریسی الگوی مدیریت راهبردی دانش در تراز انقلاب اسلامی (منبع: یافته‌های پژوهش)

ه) نظام موضوعات (بسته اهداف دانشی انقلاب اسلامی در گام دوم) به منظور شفاف سازی الگو و کاربردی تر ساختن آن، نخست براساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، نمایی از بسته اهداف دانشی انقلاب اسلامی در گام دوم ارائه شد. سپس با توجه به جدول ماتریسی در شکل شماره ۷، مؤلفه های بیست و هفت گانه در آن ضرب، و نظام موضوعات احصا شده است که در این قالب در دو محور به آن اشاره خواهد شد:

۱) بسط موضوعی براساس توصیه های راهبردی مطروحه در سند بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (بسته فعالیت های مرتبط با رکن جهت ساز):



شکل ۸: ارکان جهت‌ساز

(منبع: یافته‌های پژوهش)

گفتنی است که با تفسیر شکل شماره ۸، نظام موضوعات و بسته فعالیت‌هایی (شصت و سه‌گانه)، که در ساحت مدیریت راهبردی دانش باید به آن پرداخته شود، فهرست می‌شود:

۱. هدف‌گذاری در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه علم و پژوهش؛
۲. هدف‌گذاری در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه معنویت و اخلاق؛
۳. هدف‌گذاری در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه اقتصاد؛
۴. هدف‌گذاری در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه عدالت و مبارزه با فساد؛
۵. هدف‌گذاری در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه استقلال و آزادی؛
۶. هدف‌گذاری در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن؛
۷. هدف‌گذاری در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه سبک زندگی؛
۸. هدف‌گذاری در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه علم و پژوهش؛
۹. هدف‌گذاری در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه معنویت و اخلاق؛
۱۰. سیاست‌گذاری در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه اقتصاد؛
۱۱. سیاست‌گذاری در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه عدالت و مبارزه با فساد؛
۱۲. سیاست‌گذاری در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه استقلال و آزادی؛

۱۳. سیاست‌گذاری در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه عزت ملی، روابط

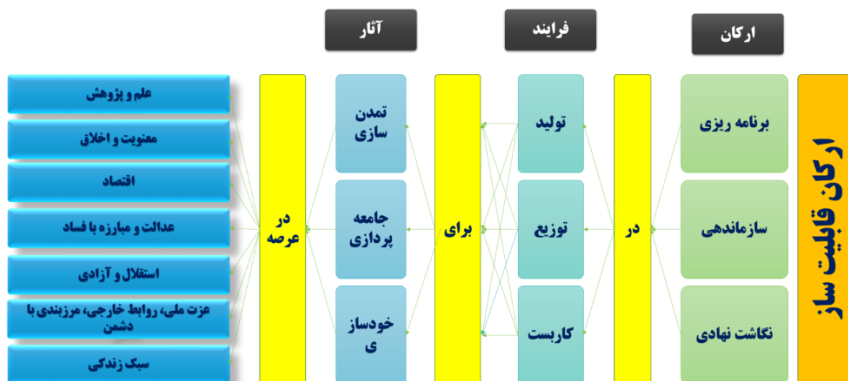
خارجی، مرزبندی با دشمن؛

۱۴. سیاست‌گذاری در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه سبک زندگی؛

۱۵.

۲) بسط موضوعی براساس توصیه‌های راهبردی مطروحه در سند بیانیه گام دوم

انقلاب اسلامی (بسته شصت‌وسه‌گانه فعالیت‌های مرتبط با رکن قابلیت‌ساز):



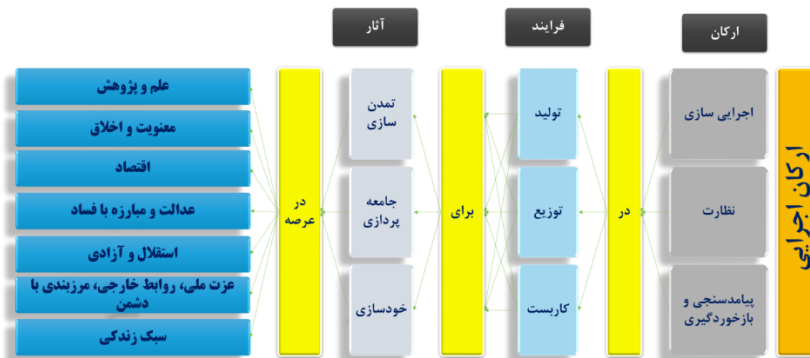
شکل ۹: ارکان قابلیت‌ساز

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۱. برنامه‌ریزی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه علم و پژوهش؛
۲. برنامه‌ریزی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه معنویت و اخلاق؛
۳. برنامه‌ریزی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه اقتصاد؛
۴. برنامه‌ریزی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه عدالت و مبارزه با فساد؛
۵. برنامه‌ریزی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه استقلال و آزادی؛
۶. برنامه‌ریزی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن؛
۷. برنامه‌ریزی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه سبک زندگی؛
۸. سازماندهی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه علم و پژوهش؛
۹. سازماندهی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه معنویت و اخلاق؛

۱۰. سازماندهی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه اقتصاد؛
۱۱. سازماندهی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه عدالت و مبارزه با فساد؛
۱۲. سازماندهی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه استقلال و آزادی؛
۱۳. سازماندهی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن؛
۱۴. سازماندهی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه سبک زندگی؛
۱۵. نگاهت نهادی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه علم و پژوهش؛
۱۶. نگاهت نهادی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه معنویت و اخلاق؛
۱۷. نگاهت نهادی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه اقتصاد؛
۱۸. نگاهت نهادی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه عدالت و مبارزه با فساد؛
۱۹. نگاهت نهادی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه استقلال و آزادی؛
۲۰. نگاهت نهادی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن؛
۲۱. نگاهت نهادی در تولید دانش تمدن‌سازی در عرصه سبک زندگی؛
۲۲.

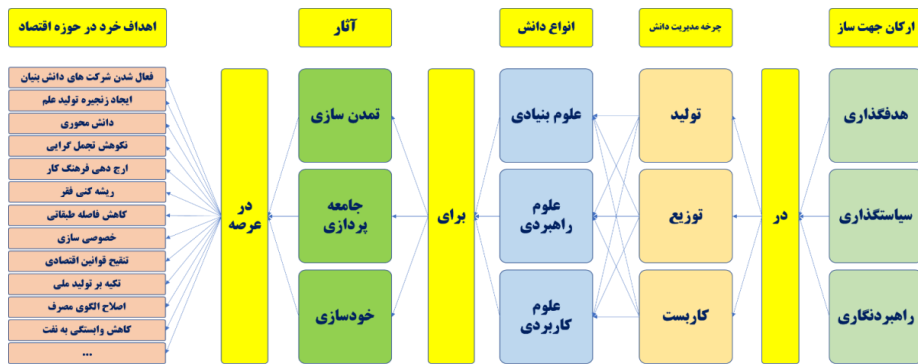
۳) بسط موضوعی براساس توصیه‌های راهبردی مطروحه در سند بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (بسته شصت‌وسه‌گانه فعالیت‌های مرتبط با رکن اجرایی):



شکل ۱۰: ارکان اجرایی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

- ۴) اجرایی سازی در تولید دانش تمدن سازی در عرصه علم و پژوهش؛
- ۵) اجرایی سازی در تولید دانش تمدن سازی در عرصه معنویت و اخلاق؛
- ۶) اجرایی سازی در تولید دانش تمدن سازی در عرصه اقتصاد؛
- ۷) اجرایی سازی در تولید دانش تمدن سازی در عرصه عدالت و مبارزه با فساد؛
- ۸) اجرایی سازی در تولید دانش تمدن سازی در عرصه استقلال و آزادی؛
- ۹) اجرایی سازی در تولید دانش تمدن سازی در عرصه عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن؛
- ۱۰) اجرایی سازی در تولید دانش تمدن سازی در عرصه سبک زندگی؛
- ۱۱) نظارت بر تولید دانش تمدن سازی در عرصه علم و پژوهش؛
- ۱۲) نظارت بر در تولید دانش تمدن سازی در عرصه معنویت و اخلاق؛
- ۱۳) نظارت بر در تولید دانش تمدن سازی در عرصه اقتصاد؛
- ۱۴) نظارت بر در تولید دانش تمدن سازی در عرصه عدالت و مبارزه با فساد؛
- ۱۵) نظارت بر در تولید دانش تمدن سازی در عرصه استقلال و آزادی؛
- ۱۶) نظارت بر در تولید دانش تمدن سازی در عرصه عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن؛
- ۱۷) نظارت بر در تولید دانش تمدن سازی در عرصه سبک زندگی؛
- ۱۸) پیامدسنجی و بازخوردگیری در تولید دانش تمدن سازی در عرصه علم و پژوهش؛
- ۱۹) پیامدسنجی و بازخوردگیری در تولید دانش تمدن سازی در عرصه معنویت و اخلاق؛
- ۲۰) پیامدسنجی و بازخوردگیری در تولید دانش تمدن سازی در عرصه اقتصاد؛
- ۲۱) نگاهت نهادی در تولید دانش تمدن سازی در عرصه عدالت و مبارزه با فساد؛
- ۲۲) نگاهت نهادی در تولید دانش تمدن سازی در عرصه استقلال و آزادی؛
- ۲۳) نگاهت نهادی در تولید دانش تمدن سازی در عرصه عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن؛
- ۲۴) نگاهت نهادی در تولید دانش تمدن سازی در عرصه سبک زندگی؛
- ۲۵) ...
- ۲۶) به عنوان نمونه؛ بسط موضوعی با محوریت اقتصاد به عنوان یکی از محورهای هفتگانه (با تأکید بر رکن جهت ساز):



شکل ۱۱:

(منبع: یافته‌های پژوهش)

- ۱) هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری و راهبردنگذاری در حوزه تولید دانش بنیادی برای تمدن‌سازی در عرصه فعال ساختن شرکت‌های دانش بنیان؛
- ۲) هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری و راهبردنگذاری در حوزه تولید دانش بنیادی برای تمدن‌سازی در عرصه ایجاد زنجیره تولید علم؛
- ۳) هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری و راهبردنگذاری در حوزه تولید دانش بنیادی برای تمدن‌سازی در عرصه توسعه اقتصاد دانش محور؛
- ۴) هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری و راهبردنگذاری در حوزه تولید دانش بنیادی برای تمدن‌سازی در عرصه چگونگی نكوهش و مقابله با تجمل‌گرایی؛
- ۵) هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری و راهبردنگذاری در حوزه تولید دانش بنیادی برای تمدن‌سازی در عرصه ارج‌دهی به فرهنگ کار؛
- ۶) هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری و راهبردنگذاری در حوزه تولید دانش بنیادی برای تمدن‌سازی در عرصه ریشه‌کنی فقر؛
- ۷) هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری و راهبردنگذاری در حوزه تولید دانش بنیادی برای تمدن‌سازی در عرصه کاهش فاصله طبقاتی؛
- ۸) هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری و راهبردنگذاری در حوزه تولید دانش بنیادی برای تمدن‌سازی در عرصه خصوصی‌سازی؛
- ۹) هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری و راهبردنگذاری در حوزه تولید دانش بنیادی برای تمدن‌سازی

در عرصه تنقیح قوانین اقتصادی؛

۱۰) هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری و راهبردننگاری در حوزه تولید دانش بنیادی برای تمدن‌سازی در

عرصه تکیه بر تولید ملی؛

۱۱) هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری و راهبردننگاری در حوزه تولید دانش بنیادی برای تمدن‌سازی در

عرصه اصلاح الگوی مصرف؛

۱۲) هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری و راهبردننگاری در حوزه تولید دانش بنیادی برای تمدن‌سازی

در عرصه کاهش وابستگی نفت؛

۱۳) ...

نتیجه‌گیری

تحقق تمدن نوین اسلامی به‌عنوان یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی، به تحول عمیق در عرصه‌های علمی و دانشی نیازمند است. این تحول به‌ویژه در زمینه مدیریت راهبردی دانش ضروری است؛ زیرا برای مقابله با چالش‌های روزافزون و تحولات سریع در دنیای کنونی، دانش بومی و مبتنی بر اصول اسلامی در سطح حکمرانی نظام مدیریتی لازم است. مدیریت راهبردی دانش به منزله رویکردی کلیدی، می‌تواند به تولید، توزیع و کاربست دانش‌هایی پردازد که با مبانی توحیدی و ارزش‌های اسلامی هماهنگی دارند و در فرایندهای خودسازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی مؤثر باشد.

انقلاب اسلامی تا امروز، با وجود کوشش‌های صورت‌گرفته در حوزه مدیریت راهبردی دانش، هنوز نتوانسته است به‌صورت مطلوب، خود را از وابستگی به دانش‌های وارداتی و غیراسلامی رها سازد و توانایی لازم برای پاسخگویی به نیازهای پیچیده جامعه را به‌دست آورد. این دانش‌ها به‌دلیل هماهنگ نبودن با ارزش‌های اسلامی و اهداف انقلاب، قادر به پشتیبانی از فرایندهای اجتماعی و فرهنگی جامعه اسلامی نیستند و در بسیاری از موارد، مانع پیشرفت و توسعه در ابعاد گوناگون می‌شوند. بنابراین، ضرورت پرداختن به مدیریت راهبردی دانش، که اکنون در وضعیت موجود به‌طورکامل وجود ندارد، احساس می‌شود.

مدیریت راهبردی دانش تمدن‌ساز باید به تولید و مدیریت دانشی پردازد که به‌طور ویژه

با نیازهای جامعه اسلامی و ارزش‌های دینی آن همخوانی داشته باشد و بتواند زیرساخت‌های لازم برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی را فراهم آورد. این مدیریت در سه بُعد اصلی تولید، توزیع و کاربست دانش تعریف می‌شود:

۱) تولید دانش بومی: به منظور خلق و توسعه دانش‌های جدیدی که به حل مسائل اساسی انقلاب اسلامی می‌پردازند و با بهره‌گیری از اصول علم‌شناسی توحیدی و تجربه‌های انقلاب اسلامی، به از میان برداشتن چالش‌های جامعه اسلامی کمک می‌کنند. تولید دانش باید بر مبنای اسلامی استوار باشد و راهکاری برای شناسایی و حل مسائل کلان و خرد انقلاب ارائه دهد؛

۲) توزیع دانش در سطح جامعه: انتقال این دانش به نهادهای گوناگون جامعه، به‌ویژه نهادهای آموزشی و فرهنگی، نقشی کلیدی در گسترش آگاهی‌های عمومی نسبت به اصول و ارزش‌های اسلامی ایفا می‌کند. توزیع مؤثر دانش می‌تواند روندهای اجتماعی و تمدنی را تقویت کرده و جامعه را به سوی تحقق هدف‌های تمدن نوین اسلامی سوق دهد. در این زمینه، نهادهای علمی و فرهنگی باید مسئولیت محوری در انتقال و معرفی گسترده دانش‌های بومی را در جامعه برعهده گیرند؛

۳) کاربست دانش در عرصه‌های اجرایی: این بُعد به معنای کاربرد عملی دانش‌های تولیدشده در سطوح اجرایی و مدیریتی است. دانش باید به صورت ملموس و عملی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های گوناگون اجرا شود و اثرات مثبت آن در زندگی روزمره مردم و فرایندهای اجتماعی نمایان شود. این امر مستلزم همکاری نزدیک میان نهادهای علمی، اجرایی و اجتماعی است تا دانش تولیدشده به‌طور مؤثر به کار گرفته شده و به ارتقای کیفیت زندگی مردم و تعالی جامعه اسلامی کمک کند.

الگوی مدیریت راهبردی دانش تمدن‌ساز بر سه رکن کلیدی استوار است:

- ارکان جهت‌ساز: تعیین‌کننده اهداف و اولویت‌های دانشی انقلاب اسلامی هستند که مسیر دانش تمدن‌ساز را براساس بیانیه‌ها و اسناد بالادستی مشخص می‌کنند؛
- ارکان قابلیت‌ساز: تمرکز بر توسعه ظرفیت‌ها و توانمندی‌های لازم برای تولید و توزیع

دانش تمدن‌ساز دارند و ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای مدیریت دانش تمدنی را هدف قرار می‌دهند؛

• **ارکان اجرایی:** به‌عنوان عناصر کلیدی اجرای مؤثر برنامه‌های دانشی، باید از تحقق اهداف تمدنی و اثرگذاری عملی دانش در جامعه اطمینان یابند.

باتوجه به الگوی ارائه‌شده و اهمیت تولید دانش در تمدن‌سازی، این بخش در اولویت مدیریت دانش قرار می‌گیرد. هرچند که پیچیدگی و تنوع در این حوزه وجود دارد، بهره‌برداری از دانش تجربی انقلاب اسلامی و استخراج دانش از تجربه‌ها نیز باید همواره مورد توجه باشد تا نیازهای فوری انقلاب اسلامی با دانش‌های عملی و بومی پاسخ داده شود.

سرانجام، این الگو به‌عنوان راهبردی جامع و اسلامی، زمینه‌ساز تحقق اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی و ساخت تمدن نوین اسلامی است و به جامعه اسلامی امکان می‌دهد که با شناسایی و حل چالش‌های واقعی، به آینده‌ای پایدار و متعالی دست یابد.

پژوهش‌های آینده باید به شناسایی و تحلیل دقیق‌تری از مؤلفه‌های مدیریت راهبردی دانش بپردازند و به‌کارگیری تجربه‌های عملی در این زمینه را بررسی کنند تا بتوانند چهارچوب‌های تازه‌ای برای تحقق اهداف تمدن‌سازی نوین اسلامی ارائه دهند.

در پایان، براساس نظام موضوعاتی که بدان اشاره شد، پیشنهاد می‌شود بر محور موضوعات پژوهشی مانند آنچه در ادامه آمده است، برای تعریف رساله‌های دکتری و کارشناسی ارشد و همچنین طرح‌های پژوهشی اقدام شود تا شرایط توسعه دانش در این بخش فراهم آید:

(۱) نظریه‌پردازی، الگوسازی و تدوین راهبردهای اساسی مبتنی بر مبانی و حیانی، عقلانی و تجربی در زمینه پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی در عرصه علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، و سبک زندگی؛

(۲) نظریه‌پردازی، الگوسازی و تدوین راهبردهای اساسی مبتنی بر مبانی و حیانی، عقلانی و تجربی در زمینه رویارویی هوشمندانه با تهدیدهای ناشناخته و پیچیده چندوجهی

- (ترکیبی) پیش روی انقلاب اسلامی در تراز محلی، شهری، استانی، منطقه‌ای، ملی، جهان اسلام و جبهه مقاومت؛
- ۳) نظریه پردازی، الگوسازی و تدوین راهبردهای اساسی مبتنی بر مبانی و حیانی، عقلانی و تجربی در زمینه حل مسائل و نیازهای دانشی انقلاب اسلامی در عرصه حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی؛
- ۴) طراحی الگوی دستیابی به نظام موضوعات و شبکه نیازمندی‌های انقلاب اسلامی در تراز سازمانی، ملی، تمدنی در گام دوم؛
- ۵) طراحی الگوی حکمرانی دانش در تراز تمدن نوین اسلامی؛
- ۶) گفتنی است با شرح تفصیلی تر محورهای یادشده، امکان تدقیق عناوین پژوهشی وجود دارد که در این مجال نمی‌گنجد.

کتابنامه

- اسماعیلی، مجید، و واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۴). اجتهاد سیستمی، راهبرد کلان تولید الگوی اسلامی پیشرفت در افق آینده. سیاست متعالیه، ۳ (۸)، ۸۲-۵۹.
- بیانات آیت الله خامنه‌ای، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>.
- پیروزمند، علیرضا (۱۳۹۷). توسعه دانش: چگونگی اسلامی سازی علوم انسانی. تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- پیروزمند، علیرضا، و جهانبخش، عباس (۱۳۹۷). مبانی و روش تحقیق تکاملی در علوم انسانی. کنگره بین المللی علوم انسانی - اسلامی.
- پیروزمند، علیرضا، و علیخانی مهرجردی، محمدحسین (۱۳۹۶). الگوی بومی ارتقای کیفیت کالاهای فرهنگی. چهارمین همایش ملی ارتقای کیفیت، آثار، محصولات و فعالیت های فرهنگی.
- تاج‌آبادی، حسین (۱۳۹۳). تحلیل تطبیقی مبانی دانش در اسلام و غرب. مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۴ (۱۶)، ۱۱۵-۱۳۸.
- چهاردولی، عباس (۱۳۹۲). طراحی الگوی مدیریت راهبردی تعاملی بر مبنای رویکرد سیستمی بانگرش الهی. تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- چهاردولی، عباس (۱۳۹۷). الگوی مدیریت راهبردی دانش با تکیه بر اسلام ناب محمدی ﷺ. تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.

- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران، سمت.
- حسنوی، رضا، اخوان، پیمان، و سنجقی، محمدابراهیم (۱۳۹۱). عوامل کلیدی موفقیت مدیریت دانش. تهران، آتی‌نگر.
- حسینی، سیدمنیرالدین (۱۳۷۹). فلسفه نظام ولایت. قم، بی‌نا.
- حمیدزاده و همکاران (۱۳۹۵). ارائه الگوی تدوین تجارب راهبردی مدیریتی نظام جمهوری اسلامی ایران با رویکرد مدیریت دانش. تهران، دانشگاه دفاع ملی.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۱). تبیین و تحلیل نظریه دانش ولایی. روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۸ (۷۱)، ۹-۴۴.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۶). منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای: نظام بینشی، منشی و کنشی. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دانشکده مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی (۱۳۹۷). ارائه الگوی مدیریت راهبردی دانش با تکیه بر اسلام ناب محمدی ﷺ. تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- رشاد، علی‌اکبر (۱۳۸۴). توسعه علم و تکامل معرفت. کتاب نقد، ۸ (۳۴)، ۱۵۹-۱۸۴.
- شاهچراغی، وحید (۱۳۹۵). الگوی مدیریت راهبردی دانش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح. تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- طهماسب کاظمی، بهروز (۱۳۹۵). طراحی الگوی راهبردی مدیریت دانش در تدوین تجربیات نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران. تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- عابدی، احمد (۱۳۹۱). فرایند و روش مدل‌سازی در مباحث مرحوم استاد سیدمنیرالدین حسینی هاشمی. قم، فرهنگستان علوم انسانی.
- فاتح‌راد، مهدی، و تقی‌یاری، حمیدرضا (۱۳۸۴). دانشگاه کارآفرین، نظام ملی نوآوری و توسعه مبتنی بر دانایی، رشد فناوری، ۱ (۴)، ۱۹-۲۵.
- فاطمی امین، سیدرضا (۱۳۹۷). تدوین چهارچوب مدیریت تولید علم در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- فیروزکوهی، مهدی (۱۳۹۷). استخراج منظومه فکری مقام معظم رهبری در موضوع عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی و اعتباربخشی نظری به آن. تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- کشتکار، مهران، و نریمانی، علیرضا (۱۳۹۲). بررسی الگوهای مدیریت دانش و ارائه مدلی برای تدوین استراتژی دانش در یک مرکز تحقیقاتی. علوم و فنون نظامی، ۹ (۲۳)، ۲۷-۵۴.
- کشتکار، مهران (۱۳۹۹). مدل مفهومی رابطه بین نوآوری اجتماعی و مدیریت دانش با رویکرد فراترکیب. مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۱۰ (۳۹)، ۴۲۱-۴۵۲.

- مطیع، حسین، و یآوری، سوده (۱۳۹۱). ملاک علم نافع در دانشگاه اسلامی براساس قرآن و احادیث. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۱۶ (۵۱)، ۲۳۱-۲۵۰.
- منطقی، محسن، و اکبری، طاهر (۱۳۹۲). مدیریت دانش با الهام از منابع اسلامی. اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۳ (۷)، ۵۹-۷۶.
- موسی‌خانی، محمد، مانیان، امیر، اخگر، بابک، جوادی‌آملی، مرتضی، و نعمتی شمس‌آباد، حسنعلی (۱۳۹۲). مدیریت دانش دینی (دین‌بنیان): طرح مسئله «مدیریت دانش» در «تمدن دینی». اسلام و مدیریت، ۲ (۳)، ۷-۴۲.
- میرباقری، سیدمحمد مهدی (۱۳۸۷). جهت‌داری علوم از منظر معرفت‌شناختی. قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- نجان‌طوسی، حامد (۱۳۹۶). طراحی الگوی دانشگاه تراز انقلاب اسلامی مبتنی بر نگاه امامین انقلاب اسلامی. تهران، دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- نعمتی شمس‌آباد، حسنعلی (۱۳۹۳). تبیین مبانی نظری مدیریت دانش: برگرفته از قرآن حکیم و مکتب اهل بیت (ع) رساله دکتری، تهران، دانشگاه تهران.
- نعمتی شمس‌آباد، حسنعلی (۱۳۹۷). مبانی و نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان و کاربردهای آن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- هیسلوپ، دونالد (۱۳۹۳). مدیریت دانش در سازمان با رویکرد اجتماعی - فرهنگی. (عباس منوریان و ناصر عسکری، مترجمان). تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
- Dalkir, Kimiz (2005). Knowledge Management in Theory and Practice. Routledge.
- Davenport, Thomas H.; & Prusak, Laurence (1998). Working Knowledge: How Organizations Manage what They Know. Harvard Business Press.
- Drucker, Peter Ferdinand (1992). Managing for the Future: The 1990s and Beyond. Dutton.
- Lindgreen, Adam; Palmer, Roger; & Vanhamme, Joëlle. (2004). Contemporary marketing practice: theoretical propositions and practical implications. Marketing Intelligence & Planning, 22 (6) , 673-692. <https://doi.org/10.1108/02634500410559051>
- Nonaka, Ikujiro; & Takeuchi, Hirotaka (1995). The Knowledge-creating Company: How Japanese Companies Create the Dynamics of Innovation. Oxford University Press.
- Zack, Michael H. (1999). Developing a Knowledge Strategy. California Management Review, 41 (3) , 125-145. <https://doi.org/10.2307/41166000>